

خطبتہا علیہا السلام بعد غصب الفدک

روی آنہ لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَدَكَّا وَ بَلَغَهَا ذَلِكَ، لَأَثَتْ خَمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا، وَ اشْتَمَلَتْ بِجَلْبَابِهَا، وَ أَقْبَلَتْ فِي لَمَّةٍ مِنْ حَفْدَتِهَا وَ نِسَاءِ قَوْمِهَا، تَطَأُ ذِيُولَهَا، مَا تَحْرِمُ مَشِيَّتَهَا مَشِيَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ، وَ هُوَ فِي حَشْدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْانصَارِ وَ غَيْرِهِمْ، فَنِيطَتْ دُونَهَا مَلَاءَةٌ فَجَلَسَتْ، ثُمَّ أَنْتَ أَنْتَ أَجْهَشَ الْقَوْمَ لَهَا بِالْبُكَاءِ، فَارْتَجَّ الْمَجْلِسُ، ثُمَّ أَمْهَلَتْ هَنِيئَةً.

حَتَّى إِذَا سَكَنَ نَشِيْجَ الْقَوْمِ وَ هَدَأَتْ فَوْرَتِهِمْ، افْتَتَحَتْ الْكَلَامَ بِحَمْدِ اللَّهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ، فَعَادَ الْقَوْمَ فِي بُكَائِهِمْ، فَلَمَّا أَمْسَكُوا عَادَتْ فِي كَلَامِهَا فَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ:

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمُومٍ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا، وَ سُبُوغٍ الْإِئْآسَافِ، وَ تَمَامٍ مِنْ أَوْلَاهَا، جَمَّ عَنِ الْإِخْصَاءِ عَدَدُهَا، وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمَدُهَا، وَ تَفَاوَتْ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبَدُهَا، وَ نَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا، وَ اسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا، وَ تَنَى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا.

خطبه آن حضرت بعد از غصب فدک

روایت شده: هنگامی که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند فدک را از حضرت فاطمه علیها السلام بگیرند و این خبر به ایشان رسید، لباس بتن کرده و چادر بر سر نهاد، و با گروهی از زنان فامیل و خدمتکاران خود بسوی مسجد روانه شد، در حالیکه چادرش به زمین کشیده می شد، و راه رفتن او همانند راه رفتن پیامبر خدا بود، بر ابوبکر که در میان عده ای از مهاجرین و انصار و غیر آنان نشسته بود وارد شد، در این هنگام بین او و دیگران پرده ای آویختند، آنگاه ناله ای جانسوز از دل برآورد که همه مردم بگریه افتادند و مجلس و مسجد بسختی به جنبش درآمد.

سپس لحظه ای سکوت کرد تا همه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروش ایشان آرام یافت، آنگاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود:

حمد و سپاس خدای را بر آنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از نعمتهای فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده ای که اعطا کرد، و منتهای بی شماری که ارزانی داشت، که شمارش از شمردن آنها عاجز، و نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فراخواند، تا با شکرگذاری آنها نعمتها را زیاده گردانند، و با گستردگی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمتها آنها را دو چندان کرد.

وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَ أَنْارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا، الْمُمْتَنِعَ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَيْتَهُ، وَ مِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتَهُ، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتَهُ.

إِبْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بِإِلَاحْتِدَاءٍ أَمْثَلُهُ إِمْتَنَلَهَا، كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ وَ ذَرَأَهَا بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَ لَا فَائِدَةٍ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَثْبِيثًا لِحِكْمَتِهِ وَ تَنْبِيهًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَ إِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ وَ تَعَبُّدًا لِبَرِيَّتِهِ، وَ إِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَّتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نِقْمَتِهِ وَ حَيَاشَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، إِخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أُرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ يُجْتَبَاهُ، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ يُبْتَعَثَهُ، إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَ بَسْتَرِ الْأَهْوِيلِ مَصُونَةٌ، وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عَلِمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، وَ إِحَاطَةً بِخَوَاطِرِ الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ.

و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمن وصل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود، خداوندی که چشم‌ها از دیدنش بازمانده، و زبانها از وصفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند.

موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند، و آنها را پدید آورد بدون آنکه از قالبی تبعیت کنند، آنها را به قدرت خویش ایجاد و به مشیتش پدید آورد، بی‌آنکه در ساختن آنها نیازی داشته و در تصویرگری آنها فائده‌ای برایش وجود داشته باشد، جز تثبیت حکمتش و آگاهی بر طاعتش، و اظهار قدرت خود، و شناسائی راه عبودیت و گرامی داشت دعوتش، آنگاه بر طاعتش پاداش و بر معصیتش عقاب مقرر داشت، تا بندگان را از نقمتمش بازدارد و آنان را بسوی بهشتش رهنمون گردد.

و گواهی می‌دهم که پدرم محمد بنده و فرستاده اوست، که قبل از فرستاده شدن او را انتخاب، و قبل از برگزیدن نام پیامبری بر او نهاد، و قبل از مبعوث شدن او را برانگیخت، آن هنگام که مخلوقات در حجاب غیبت بوده، و در نهایت تاریکی‌ها بسر برده، و در سر حد عدم و نیستی قرار داشتند، او را برانگیخت بخاطر علمش به عواقب کارها، و احاطه‌اش به حوادث زمان، و شناسائی کاملش به وقوع مقدرات.

إِبْتَعَثَهُ اللَّهُ إِتْمَامًا لِلْأَمْرِ، وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَ إِنْفَادًا لِمَقَادِيرِ رَحْمَتِهِ، فَرَأَى الْأَمَمَ فِرْقًا فِي أَدْيَانِهَا، عُكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِلْوَثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا.

فَأَنْارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ طَلَمَهَا، وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا، وَ جَلَى عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَمَهَا، وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ، فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ، وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعِمَايَةِ، وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ.

ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَافِقَةٍ وَ اخْتِيَارَ، وَ رَغْبَةً وَ اِيثارَ، فَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ اِلَهٍ مِنْ تَعَبٍ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ حُفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْعَفَّارِ، وَ مُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيٍّ وَ أَمِينِهِ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ صَفِيِّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

ثم التفت الى اهل المجلس و قالت:

أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصَبُ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ، وَ حَمَلُهُ دِينِهِ وَ وَحْيِهِ، وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَ بُلْغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ، رَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ

او را برانگیخت تا امرش را کامل و حکم قطعی اش را امضا و مقدراتش را اجرا نماید، و آن حضرت امتها را دید که در آئینهای مختلفی قرار داشته، و در پیشگاه آتشهای افروخته معتکف و بت های تراشیده شده را پرستنده، و خداوندی که شناخت آن در فطرتشان قرار دارد را منکرند.

پس خدای بزرگ بوسیله پدرم محمد صلی الله علیه و آله تاریکی های آن را روشن، و مشکلات قلبها را برطرف، و موانع رؤیت دیده ها را از میان برداشت، و با هدایت در میان مردم قیام کرده و آنان را از گمراهی رهانید، و بینایشان کرده، و ایشان را به دین استوار و محکم رهنمون شده، و به راه راست دعوت نمود.

تا هنگامی که خداوند او را بسوی خود فراخواند، فراخواندن از روی مهربانی و آزادی و رغبت و میل، پس آن حضرت از رنج این دنیا در آسایش بوده، و فرشتگان نیکوکار در گرداگرد او قرار داشته، و خشنودی پروردگار آمرزنده او را فراگرفته، و در جوار رحمت او قرار دارد، پس درود خدا بر پدرم، پیامبر و امینش و بهترین خلق و برگزیده اش باد، و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد.

آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام رو به مردم کرده و فرمود:

شما ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی او، و حاملان دین و وحی او، و امینهای خدا بر یکدیگر، و مبلغان او بسوی امتهایید، زمامدار حق در میان

فِيكُمْ، وَ عَهْدٌ قَدَمَهُ إِلَيْكُمْ، وَ بَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ: كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُنْجِلِيَّةٌ ظَوَاهِرُهُ، مُغْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ إِتِّبَاعُهُ، مُؤَدًّا إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ.

بِهِ تُنَالُ حُجَجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ، وَ عَزَائِمُهُ الْمَفْسَرَةُ، وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ، وَ فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَ رُحَصُهُ الْمُؤَهَّوْبَةُ، وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ.

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ، وَ الزَّكَاةَ تَرْكِياً لِلنَّفْسِ وَ نِمْاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيْثاً لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيفاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ، وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ، وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ.

وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ، وَ بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً مِنَ السَّخَطِ، وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَاءً فِي الْعُمْرِ وَ مَنْمَاءً لِلْعَدَدِ، وَ الْقِصَاصَ حَقّاً لِلدِّمَاءِ، وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيضاً لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَائِيلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيراً لِلْبَخْسِ.

شما بوده، و پیمانی است که از پیشاپیش بسوی تو فرستاده، و باقیمانده‌ای است که برای شما باقی گذارده، و آن کتاب گویای الهی و قرآن راستگو و نور فروزان و شعاع درخشان است، که بیان و حجت‌های آن روشن، اسرار باطنی آن آشکار، ظواهر آن جلوه‌گر می‌باشد، پیروان آن مورد غبطه جهانیان بوده، و تبعیت از او خشنودی الهی را باعث می‌گردد، و شنیدن آن راه نجات است. بوسیله آن می‌توان به حجت‌های نورانی الهی، و واجباتی که تفسیر شده، و محرماتی که از ارتکاب آن منع گردیده، و نیز به گواهیهای جلوه‌گرش و برهانهای کافیش و فضائل پسندیده‌اش، و رخصتهای بخشیده شده‌اش و قوانین واجبش دست یافت.

پس خدای بزرگ ایمان را برای پاک کردن شما از شرک، و نماز را برای پاک نمودن شما از تکبر، و زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی، و روزه را برای تثبیت اخلاص، و حج را برای استحکام دین، و عدالت‌ورزی را برای التیام قلبها، و اطاعت ما خاندان را برای نظم یافتن ملت‌ها، و امامتمان را برای رهایی از تفرقه، و جهاد را برای عزت اسلام، و صبر را برای کمک در بدست آوردن پاداش قرار داد.

وَ النَّهْيَ عَنْ شَرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرَّجْسِ، وَ اجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَرْكَ السَّرْقَةِ إِيْجَاباً لِلْعِصْمَةِ، وَ حَرَّمَ اللَّهُ الشِّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ.

فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ.

ثم قالت:

أَيُّهَا النَّاسُ! إَعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ، أَقُولُ غُوداً وَ بَدْءاً، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلْطاً، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطاً، لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ.

فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَ تَعْرِفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونِ نِسَائِكُمْ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونِ رَجَالِكُمْ، وَ لَنْعِمَ الْمَعْرِزِ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلِهِ.

فَبَلَغَ الرِّسَالَةَ صَادِعاً بِالنَّذَارَةِ، مَائِلاً عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِباً ثُبَجَهُمْ، اخِذاً بِأَكْظَامِهِمْ، دَاعِياً إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَجْفُ الْأَصْنَامَ وَ يَنْكُثُ الْهَامَ، حَتَّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ وَلَّوْا الدُّبْرَ.

و امر به معروف را برای مصلحت جامعه، و نیکی به پدر و مادر را برای رهایی از غضب الهی، و صله ارحام را برای طولانی شدن عمر و افزایش جمعیت، و قصاص را وسیله حفظ خونها، و وفای به نذر را برای در معرض مغفرت الهی قرار گرفتن، و دقت در کیل و وزن را برای رفع کم‌فروشی مقرر فرمود.

و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از زشتی، و حرمت نسبت ناروا دادن را برای عدم دوری از رحمت الهی، و ترک دزدی را برای پاکدامنی قرار داد، و شرک را حرام کرد تا در یگانه پرستی خالص شوند.

پس آنگونه که شایسته است از خدا بترسید، و از دنیا نروید جز آنکه مسلمان باشید، و خدا را در آنچه بدان امر کرده و از آن بازداشته اطاعت نمائید، همانا که فقط دانشمندان از خاک می‌ترسند. آنگاه فرمود:

ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا گویم در پایان نیز می‌گویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست، پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنجهای شما بر او گران آمده و دلسوز بر شما است، و بر مؤمنان مهربان و عطف است.

پس اگر او را بشناسید می‌دانید که او در میان زنانان پدر من بوده، و در میان مردانتان برادر پسر عموی من است، چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم.

رسالت خود را با انذار انجام داد، از پرتگاه مشرکان کناره‌گیری کرده، شمشیر بر فرقشان نواخت، گلویشان را گرفته و با حکمت و پند و اندرز نیکو بسوی پروردگارشان دعوت نمود، بتها را نابود ساخته، و سر کینه توزان را می‌شکند، تا جمعشان منهزم شده و از میدان گریختند.

حَتَّى تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُجْبِهِ، وَ أَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ، وَ نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَ خَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ، وَ طَاحَ وَ شَيْطُ النَّفَاقِ، وَ انْحَلَّتْ عُقْدُ الْكُفْرِ وَ الشَّقَاقِ، وَ فَهَّتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ.

وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُذَقَّةَ الشَّارِبِ، وَ نُهْزَةَ الطَّامِعِ، وَ قُبْسَةَ الْعِجْلَانِ، وَ مَوْطِئَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْقِدَّ، أَذِلَّةٌ خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلِهِ بَعْدَ اللَّتَيَا وَ اللَّتَى، وَ بَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمُ الرِّجَالِ، وَ ذُوبَانَ الْعَرَبِ، وَ مَرَدَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ.

كَلَّمَا أَوْقَدُوا نَاراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَّمَ قَرْنَ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَعَرَتْ فَاغِرَةً مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكِفِي حَتَّى يَطَأَ جَنَاحَهَا بِأَخْمَصِهِ، وَ يَخِمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّداً فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشَمِّراً نَاصِحاً مُجِداً كَادِحاً، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ.

وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ، وَادْعُونَ فَاكِهِونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرَ، وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَتَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَتَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ.

تا آنگاه که صبح روشن از پرده شب برآمد، و حق نقاب از چهره برکشید، زمامدار دین به سخن درآمد، و فریاد شیطانها خاموش گردید، خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گره های کفر و تفرقه از هم گشوده گردید، و دهانهای شما به کلمه اخلاص باز شد، در میان گروهی که سپیدرو و شکم به پشت چسبیده بودند.

و شما بر کناره پرتگاهی از آتش قرار داشته، و مانند جرعه ای آب بوده و در معرض طمع طماعان قرار داشتید، همچون آتش زنه ای بودید که بلافاصله خاموش می گردید، لگدکوب روندگان بودید، از آبی می نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند، و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده می کردید، خوار و مطرود بودید، می ترسیدند که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را بربایند، تا خدای تعالی بعد از چنین حالاتی شما را بدست آن حضرت نجات داد، بعد از آنکه از دست قدرتمندان و گرگهای عرب و سرکشان اهل کتاب ناراحتیها کشیدید.

هرگاه آتش جنگ برافروختند خداوند خاموشش نموده، یا هر هنگام که شیطان سر برآورد یا از دهانی از مشرکین دهان باز کرد، پیامبر برادرش را در کام آن افکند، و او تا زمانی که سرآنان را به زمین نمی کوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمی کرد، باز نمی گشت، فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته، نصیحت گر، تلاشگر، و کوشش کننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامت کننده نمی هراسید. و این در هنگامه ای بود که شما در آسایش زندگی می کردید، در مهد امن متنعم بودید، و در انتظار بسر می بردید تا ناراحتی ها ما را در بر گیرد، و گوش به زنگ اخبار بودید، و هنگام کارزار عقبگرد می کردید، و به هنگام نبرد فرار می نمودید.

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَمَأْوَى أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ، وَ سَمَلَ جِلْبَابُ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ، وَ نَبَغَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ، وَ هَذَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ، هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِذَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغِرَةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا، وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غِضَابًا، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ، وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرِبِكُمْ.

هذا، وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَ الْكَلِمُ رَحِيبٌ، وَ الْجَرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَ الرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ، إِبْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ.

فَهَيَّاهُ مِنْكُمْ، وَ كَيْفَ بِكُمْ، وَ أَنَّى تُؤْفَكُونَ، وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَغْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَئِيحَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَ قَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرْغَبُهُ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ أَمْ بَعْضُهُ تَحْكُمُونَ؟ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا، وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ.

و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌هایتان بیامد، و شیطان سر خویش را از مخفی‌گاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید، آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام می‌دهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید.

این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراحات التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته اید، و برآستی جهنم کافران را احاطه نموده است.

این کار از شما بعید بود، و چطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید، در حالی که کتاب خدا رویاروی شماست، امورش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرّماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی‌رغبتی به آن را خواهید؟ یا بغیر قرآن حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَى رَيْثٍ أَنْ تَسْكُنَ نَفَرَتَهَا، وَ يَسْلَسَ قِيَادَهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ ثُورُونَ وَ قَدَتَهَا، وَ تَهَيَّجُونَ جَمَرَتَهَا، وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ، وَ إِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَ إِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّافِي، تُسِرُّونَ حَسَوًا فِي ارْتِغَاءٍ، وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ فِي الْخَمْرِ وَ الضَّرَاءِ، وَ نَصِيرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمَدَى، وَ وَخْزِ السِّنَانِ فِي الْحِشَا.

وَ أَنْتُمْ الْآنَ تَرْغُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا أَفْحَكَمَ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ، وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ، أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَى، قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الصَّاحِيَةُ أَنَّى إِبْنَتُهُ.

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَغْلَبُ عَلَى إِرْثِي؟ يَابْنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَفَى كِتَابِ اللَّهِ تَرِثُ أَبَاكَ وَ لَا أَرِثُ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا، أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، إِذْ يَقُولُ «وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» (١) وَ قَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثَ مِنْ الْيَعْقُوبَ»، (٢) وَ قَالَ: «وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى

آنگاه آنقدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و کشیدن آن سهل گردد، پس آتش‌گیره‌ها را افروخته تر کرده، و به آتش دامن زدید تا آن را شعله‌ور سازید، و برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن انوار دین روشن خدا، و از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید، به بهانه خوردن، کف شیر را زیر لب پنهان می‌خوردید، و برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین گرفته و راه می‌رفتید، و ما باید بر این امور که همچون خنجر برآن و فرورفتن نیزه در میان شکم است، صبر کنیم.

و شما اکنون گمان می‌برید که برای ما ارثی نیست، آیا خواهان حکم جاهلیت هستید، و برای اهل یقین چه حکمی بالاتر از حکم خداوند است، آیا نمی‌دانید؟ در حالی که برای شما همانند آفتاب درخشان روشن است، که من دختر او هستم.

ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند، ای پسرایی قحافه، آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و از ارث پدرم محروم باشم امر تازه و زشتی آوردی، آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر می‌اندازید، آیا قرآن نمی‌گویید «سلیمان از داود ارث برد»، و در مورد خبر زکریا آنگاه که گفت: «پروردگار مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و خاندان یعقوب ارث برد»، و فرمود: «و خویشاوندان رحمی به یکدیگر سزاوارتر از

بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»، (۳) وَ قَالَ «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ»، (۴) وَ قَالَ «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأُولَادَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ». (۵)

و زَعَمْتُمْ أَنْ لَا حَظَّوَةً لِي، وَ لَا ارْثٌ مِنْ أَبِي، وَ لَا رَحِمٌ بَيْنَنَا، أَفَخَصَّكُمُ اللَّهُ بِأَيَّةٍ أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ: إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَابْنِ عَمِّي؟ فَذُنُوكَهَا مَخْطُومَةٌ مَرْحُومَةٌ تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ.

فَنِعْمَ الْحَكَمُ اللَّهُ، وَ الزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَ الْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ، وَ لَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدِمُونَ، وَ لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَفَرٍّ، وَ لَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ، وَ يَجِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ.

ثم رمت بطرفها نحو الانصار، فقالت:

دیگرانند»، و فرموده: «خدای تعالی به شما درباره فرزندان سفارش می‌کند که بهره پسر دو برابر دختر است»، و می‌فرماید: «هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد بر شما نوشته شده که برای پدران و مادران و نزدیکان وصیت کنید، و این حکم حقی است برای پرهیزگاران».

و شما گمان می‌برید که مرا بهره‌ای نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم، آیا خداوند آیه‌ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا می‌گوئید: اهل دو دین از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم را از اهل

یک دین نمی‌دانید؟ و یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسرعمویم آگاه‌ترید؟ اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد.

چه نیک داوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند، و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند، و برای هر خبری قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاودانه که را شامل می‌شود. آنگاه رو بسوی انصار کرده و فرمود:

يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ وَ أَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَ حَضَنَةَ الْإِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْعَمِيزَةُ فِي حَقِّي وَ السَّيِّئَةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَبِي يَقُولُ: «الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وَلَدِهِ»، سَرَّعَانَ مَا أَخَذْتُمْ وَ عَجَلَانَ ذَا إِهَالَةٍ، وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ، وَ قُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلُبُ وَ أَزَاوِلُ.

اتَّقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ؟ فَخَطَبُ جَلِيلٍ اسْتَوْسَعَ وَ هُنَّةٌ، وَ اسْتَنْهَرَ فَتَقَهُ، وَ انْفَتَقَ رَتْقَهُ، وَ أَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِعَيْبَتِهِ، وَ كُسِفَتِ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ انْتَثَرَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ، وَ أَكْدَتِ الْأُمَالُ، وَ خَشَعَتِ الْجِبَالُ، وَ أَضْيَعَ الْحَرِيمُ، وَ أُرِيْلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ.

فَتِلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَ الْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَامِثُهَا نَازِلَةٌ، وَ لَا بَائِقَةً عَاجِلَةً أُغْلِنَ بِهَا، كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ، وَ فِي مُمْسَاكُمُ وَ مُصْبِحِكُمْ، يَهْتَفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ هَتَافًا وَ صَرَاخًا وَ تِلَاوَةً وَ لَحْنًا، وَ لَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، حُكْمٌ فَصْلٌ وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ.

«وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ

ای گروه نقباء، و ای بازوان ملت، ای حافظان اسلام، این ضعف و غفلت در مورد حق من و این سهل‌انگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا پدرم پیامبر نمی‌فرمود: «حرمت هر کس در فرزندان او حفظ می‌شود»، چه سرعت مرتکب این اعمال شدید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از دهان و دماغ او فرو ریخت، در صورتی که شما را طاقت و توان بر آنچه در راه آن می‌کوشیم هست، و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و قصد می‌باشد.

آیا می‌گوئید محمد صلی الله علیه و آله بدرود حیات گفت، این مصیبتی است بزرگ و در نهایت وسعت، شکاف آن بسیار، و درز دوخته آن شکافته، و زمین در غیاب او سراسر تاریک گردید، و ستارگان بی‌فروغ، و آرزوها به ناامیدی گرائید، کوهها از جای فرو ریخت، حرمتها پایمال شد، و احترامی برای کسی پس از وفات او باقی نماند.

بخدا سوگند که این مصیبت بزرگتر و بلیه عظیم‌تر است، که همچون آن مصیبتی نبوده و بلای جانگدازی در این دنیا به پایه آن نمی‌رسد، کتاب خدا آن را آشکار کرده است، کتاب خدایی که در خانه‌هایتان، و در

مجالس شبانه و روزانه‌تان، آرام و بلند، و با تلاوت و خوانندگی آن را می‌خوانید، این بلائی است که پیش از این به انبیاء و فرستاده شدگان وارد شده است، حکمی است حتمی، و قضائی است قطعی، خداوند می‌فرماید: محمد پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری درگذشتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد به عقب برمی‌گردید، و آنکس که به عقب برگردد

فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ». (۶)

ایها بنی‌قیلۀ! اِهْضَمْ تَرَاثَ أَبِي وَ أَنْتُمْ بِمَرَأَى مِني وَ مَسْمَعٍ وَ مُنْتَدَى وَ مَجْمَعٍ، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَ تَشْمَلُكُمْ الْخُبْرَةُ، وَ أَنْتُمْ ذَوُو الْعَدَدِ وَ الْعُدَّةِ وَ الْأَدَاةِ وَ الْقُوَّةِ، وَ عِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَ الْجَنَّةُ، تُوَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغَيِّثُونَ، وَ أَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، وَ النَّخْبَةُ الَّتِي انْتُخِبَتْ، وَ الْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتِيرَتْ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَ تَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحْتُمُ الْأَمَمَ، وَ كَافَحْتُمُ الْبَهْمَ، لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمِرُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ، وَ دَرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ، وَ خَضَعَتْ نُعْرَةُ الشَّرْكِ، وَ سَكَنْتْ فَوْزَةُ الْإِفْكِ، وَ خَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَ هَدَأَتْ دَعْوَةُ الْهَرَجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَأَنَّى حِزْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ، وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ، وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْأَقْدَامِ، وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ؟

بُؤْسًا لِقَوْمٍ نَكَلُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ، وَ هَمُّوا

بخدا زیانی نمی‌رساند، و خدا شکرکنندگان را پاداش خواهد داد».

ای پسران قیله- گروه انصار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا می‌بینید و سخن مرا می‌شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید، صدای دعوت مرا همگان شنیده و از حالم آگاهی دارید، و دارای نفرت و ذخیره‌اید، و دارای ابزار و قوه‌اید، نزد شما اسلحه و زره و سپر هست، صدای دعوت من به شما می‌رسد ولی جواب نمی‌دهید، و ناله فریاد خواهیم را شنیده ولی به فریادم نمی‌رسید، در حالی که به شجاعت معروف و به خیر و صلاح موصوف می‌باشید، و شما برگزیدگانی بودید که انتخاب شده، و منتخباتی که برای ما اهل‌بیت برگزیده شدید!

با عرب پیکار کرده و متحمل رنج و شدتها شدید، و با امتهای رزم نموده و با پهلوانان به نبرد برخاستید، همیشه فرمانده بوده و شما فرمانبردار، تا آسیای اسلام به گردش افتاد، و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره‌های شرک‌آمیز خاموش شده، و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد، و آتش کفر خاموش و دعوت ندای هرج و مرج آرام گرفت، و نظام دین کاملاً ردیف شد، پس چرا بعد از اقرارتان به ایمان حیران شده، و پس از آشکاری خود را مخفی گردانیدید، و بعد از پیشقدمی عقب نشستید، و بعد ایمان شرک آوردید.

وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آن را شکستند، و خواستند پیامبر

بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَؤُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ، أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

آلا، وَقَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ، وَ أَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ، وَ خَلَوْتُمْ بِالذَّعَةِ، وَ نَجَوْتُمْ بِالضِّيقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجَجْتُمْ مَا وَعَبْتُمْ، وَ دَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ.

آلا، وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخِذْلَةِ الَّتِي خَامَرْتُكُمْ، وَ الْعِدْرَةِ الَّتِي اسْتَشَعَرْتُهَا قُلُوبُكُمْ، وَ لَكِنَّهَا فَيْضَةُ النَّفْسِ، وَ نَفْثَةُ الْغَيْظِ، وَ حَوَزُ الْقَنَاءِ، وَ بَثَّةُ الصَّدْرِ، وَ تَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ، فَدُونَكُمْ مَوْهَا فَاحْتَقِبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ، نَقِبَةَ الْخُفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةً بِغَضَبِ الْجَبَّارِ وَ شَنَارِ الْأَبَدِ، مَوْصُولَةً بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ.

فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ، وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَىَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، وَ أَنَا إِنِنِّه نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ، وَ انْتِظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ.

فأجابها أبوبكر عبدالله بن عثمان، و قال:

را اخراج کنند، با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند، آیا از آنان هراس دارد در حالی که خدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید.

آگاه باشید می بینم که به تن آسائی جاودانه دل داده، و کسی را که سزاوار زمامداری بود را دور ساخته اید، با راحت طلبی خلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراخنای آن رسیده اید، در اثر آن آنچه را حفظ کرده بودید را از دهان بیرون ریختید، و آنچه را فروبرده بودید را بازگرداندند، پس بدانید اگر شما و هر که در زمین است کافر شوید، خدای بزرگ از همگان بی نیاز و ستوده است. آگاه باشید آنچه گفتم با شناخت کامل بود، به سستی پدید آمده در اخلاق شما، و بی وفائی و نیرنگ ایجاد شده در قلوب شما، و لیکن اینها جوشش دل اندوهگین، و بیرون ریختن خشم و غضب است، و آنچه قابل تحمل نیست، و جوشش سینه ام و بیان دلیل و برهان، پس خلافت را بگیرید، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاول دار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله ور خدا که بر قلبها احاطه می یابد متصل است. آنچه می کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آنانکه ستم کردند به زودی می دانند که به کدام بازگشتگاهی بازخواهند گشت، و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک الهی که در پیش دارید خبر داد، پس هرچه خواهید بکنید و ما هم کار خود را می کنیم، و شما منتظر بمانید و ما هم در انتظار بسر می بریم.

آنگاه ابوبکر پاسخ داد:

يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا، رَوُوفًا رَحِيمًا، وَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا وَ عِقَابًا عَظِيمًا، إِنَّ غَزَوَنَاهُ وَجَدْنَاهُ أَبَاكَ دُونَ النَّسَاءِ، وَ أَخَا الْفِكَ دُونَ الْأَخِلَاءِ، أَثَرُهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ وَ سَاعِدُهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ، لَا يُحِبُّكُمْ إِلَّا سَعِيدٌ، وَ لَا يُبْغِضُكُمْ إِلَّا شَقِيٌّ بَعِيدٌ.

فَإَنْتُمْ عِثْرَةُ رَسُولِ اللَّهِ الطَّيِّبُونَ، الْخَيْرَةُ الْمُنتَجِبُونَ، عَلَى الْخَيْرِ أَدَلَّتْنَا وَ إِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا، وَ أَنْتِ يَا خَيْرَةَ النَّسَاءِ وَ ابْنَتَهُ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ فِي وَفْوَرِ عَقْلِكَ، غَيْرَ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكَ، وَ لَا مَصْدُودَةٌ عَنْ صِدْقِكَ.

وَ اللَّهُ مَا عَدَوْتُ رَأَى رَسُولِ اللَّهِ، وَ لَا عَمِلْتُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ الرَّائِدُ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ، وَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ كَفَى بِهِ شَهِيدًا، أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ ذَهَبًا وَ لَا فِضَّةً، وَ لَا دَارًا وَ لَا عِقَارًا، وَ إِنَّمَا نُورِثُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ الْعِلْمَ وَ النَّبُوَّةَ، وَ مَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ فَلَوْلِي الْأَمْرُ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ».

ای دختر رسول خدا! پدر تو بر مؤمنین مهربان و بزرگوار و رئوف و رحیم، و بر کافران عذاب دردناک و عقاب بزرگ بود، اگر به نسب او بنگریم وی در میان زنانمان پدر تو، و در میان دوستان برادر شوهر توست، که وی را بر هر دوستی برتری داد، و او نیز در هر کار بزرگی پیامبر را یاری نمود، جز سعادت‌مندان شما را دوست نمی‌دارند، و تنها بدکاران شما را دشمن می‌شمردند.

پس شما خاندان پیامبر، پاکان برگزیدگان جهان بوده، و ما را به خیر راهنما، و بسوی بهشت رهنمون بودید، و تو ای برترین زنان و دختر برترین پیامبران، در گفتارت صادق، در عقل فراوان پیشقدم بوده، و هرگز از حقت بازداشته نخواهی شد و از گفتار صادقیت مانعی ایجاد نخواهد گردید.

و بخدا سوگند از رأی پیامبر قدمی فراتر نگذارده، و جز با اجازه او اقدام نکرده‌ام، و پیشرو قوم به آنان دروغ نمی‌گویند، و خدا را گواه می‌گیرم که بهترین گواه است، از پیامبر شنیدم که فرمود: «ما گروه پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی‌گذاریم، و تنها کتاب و حکمت و علم و نبوت را به ارث می‌نهیم، و آنچه از ما باقی می‌ماند در اختیار ولیّ امر بعد از ماست، که هر حکمی که بخواهد در آن بنماید.»

وَ قَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتَهُ فِي الْكِرَاعِ وَ السَّلَاحِ، يُقَاتِلُ بِهَا الْمُسْلِمُونَ وَ يُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ، وَ يُجَالِدُونَ الْمَرَدَّةَ الْفُجَّارَ، وَ ذَلِكَ بِاجْمَاعِ الْمُسْلِمِينَ، لَمْ أَنْفِرْ بِهِ وَحْدِي، وَ لَمْ أَسْتَبِدْ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ عِنْدِي، وَ هَذِهِ حَالِي وَ مَالِي، هِيَ لَكَ وَ بَيْنَ يَدَيْكَ، لَا تَزُوى عَنْكَ وَ لَا نَدَّخِرُ دُونَكَ، وَ أَنْكَ، وَ أَنْتِ سَيِّدَةُ أُمَّةٍ أَيْبِكَ وَ الشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لِبَنِيكَ، لَا يُدْفَعُ مَالُكَ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا يُوضَعُ فِي فَرْعِكَ وَ أَصْلِكَ، حُكْمُكَ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايَ، فَهَلْ تَرَيْنَ أَنْ أُخَالِفَ فِي ذَاكَ أَبَاكَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ).

فَقَالَتْ:

سُبْحَانَ اللَّهِ، مَا كَانَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا، وَلَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالَفًا، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ أَثَرَهُ، وَ يَقْفُو سُورَهُ، أَفْتَجْمَعُونَ إِلَى الْعَذْرِ إِغْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ، وَ هَذَا بَعْدَ وَقَاتِهِ شَبِيهٌ بِمَا بُغِيَ لَهُ مِنَ الْغَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ، هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حُكْمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَضْلًا، يَقُولُ: «يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»، وَ يَقُولُ: «وَ وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ».

و ما آنچه را که می‌خواهی در راه خرید اسب و اسلحه قرار دادیم، تا مسلمانان با آن کارزار کرده و با کفار جهاد نموده و با سرکشان بدکار جدال کنند، و این تصمیم به اتفاق تمام مسلمانان بود، و تنها دست به این کار نزد، و در رأی و نظرم مستبدانه عمل ننمودم، و این حال من و این اموال من است که برای تو و در اختیار توست، و از تو دریغ نمی‌شود و برای فرد دیگری ذخیره نشده، توئی سرور بانوان امت پدرت، و درخت بارور و پاک برای فرزندان، فضائل انکار نشده، و از شاخه و ساقه‌ات فرونهاده نمی‌گردد، حکمت در آنچه من مالک آن هستم نافذ است، آیا می‌پسندی که در این زمینه مخالف سخن پدرت عمل کنم.

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود:

پاک و منزّه است خداوند، پدرم پیامبر، از کتاب خدا روی گردان و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می‌نمود، آیا می‌خواهید علاوه بر نیرنگ و مکر به زور او را متهم نمائید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دامهائی که در زمان حیاتش برایش گسترده شد، این کتاب خداست که حاکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی می‌اندازد، و می‌فرماید: - زکریا گفت: خدایا فرزندی به من بده که - «از من و خاندان یعقوب ارث ببرد»، و می‌فرماید: «سلیمان از داود ارث برد».

بَيِّنَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيمَا وَرَعَ مِنَ الْاَفْسَاطِ، وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَايِصِ وَالْمِيرَاثِ، وَ اَبَاحَ مِنْ حَظِّ الذَّكَرَانِ وَ الْاِنَاثِ، مَا اَزَاحَ بِهِ عَلَهُ الْمُبْطِلِينَ وَ اَزَالَ التَّنْظِي وَ الشُّبُهَاتِ فِي الْغَايِرِينَ، كَلَّا بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْرًا، فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ.

فقال أبوبكر:

صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَتْ اِبْنَتُهُ، مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ، وَ مَوْطِنُ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةِ، وَ رُكْنُ الدِّينِ، وَ عَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا اَبْعَدُ صَوَابِكَ وَ لَا اُنْكِرُ خِطَابَكَ، هَؤُلَاءِ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ قَلَدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ، وَ بِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ اَخَذْتُ مَا اَخَذْتُ، غَيْرَ مَكَابِرٍ وَ لَا مُسْتَبِدِّ وَ لَا مُسْتَأْثِرٍ، وَ هُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ.

فالتفت فاطمة عليهاالسلام الى النساء، و قالت:

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ، الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا تَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا آسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَآخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ، وَ لَيْسَ مَا تَأْوُلْتُمْ،

و خداوند در سهمیه هائی که مقرر کرد، و مقادیری که در ارث تعیین فرمود، و بهره هائی که برای مردان و زنان قرار داد، توضیحات کافی داده، که بهانه های اهل باطل، و گمانها و شبهات را تا روز قیامت زائل فرموده است، نه چنین است، بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده، و جز صبر زیبا چاره‌ای ندارم، و خداوند در آنچه می‌کنید یاور ماست.

ابوبکر گفت:

خدا و پیامبرش راست گفته، و دختر او نیز، که معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت، و رکن دین و سرچشمه حجت و دلیل می‌باشد و راست می‌گوید، سخن حقت را دور نیفکنده و گفتارت را انکار نمی‌کنم، این مسلمانان بین من و تو حاکم هستند، و آنان این حکومت را بمن سپردند، و به تصمیم آنها این منصب را پذیرفتم، نه متکبر بوده و نه مستبد به رأی هستم، و نه چیزی را برای خود برداشته‌ام، و اینان همگی گواه و شاهدند.

آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به مردم کرده و فرمود:

ای مسلمانان! که برای شنیدن حرفهای بیهوده شتابان بوده، و کردار زشت را نادیده میگیرید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید، یا بر دلها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتتان بر دلهایتان تیرگی آورده، و گوشها و چشمانتان را فراگرفته، و بسیار بد آیات قرآن را تأویل کرده، و بد راهی را به او

وَ سَاءَ مَا بِهِ أَسْرْتُمْ، وَ شَرَّ مَا مِنْهُ إِعْتَضْتُمْ، لَتَجِدَنَّ وَ اللَّهَ مَحْمِلَهُ ثَقِيلاً، وَ غِيَةً وَ بِيلاً، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ، وَ بَانَ مَا وَرَاءَهُ الضَّرَاءُ، وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ.

ثم عطفت على قبر النبي صلى الله عليه و آله، و قالت:

قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَنْبَةٌ - لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْثِرِ الْخُطْبُ

إِنَّا فَقَدْ نَاكَ فَقَدْ الْأَرْضِ وَإِلَيْهَا - وَ اخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدَهُمْ وَ لَا تَغِبْ

وَ كُلُّ أَهْلِ لَهُ قُرْبَى وَ مَنْزِلَةٌ - عِنْدَ إِلَهِ عَلَى الْأَذْنَيْنِ مُقْتَرَبُ

أَبَدَتْ رِجَالٌ لَنَا نَجْوَى صُدُورِهِمْ - لَمَّا مَضَيْتِ وَ حَالَتْ دُونَكَ التَّرَبُّ

تَجَهَّمْتَنَا رِجَالٌ وَ اسْتُخِفَّ بِنَا - لَمَّا فَقِدْتَ وَ كُلُّ الْإِرْثِ مُعْتَصَبُ

وَكُنْتَ بَدْرًا وَنُورًا يُسْتَضَاءُ بِهِ - عَلَيْكَ تُنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ

نشان داده، و با بدچیزی معاوضه نمودید، بخدا سوگند تحمّل این بار برایتان سنگین، و عاقبتش پر از وزر و وبال است، آنگاه که پرده‌ها کنار رود و زیانهای آن روشن گردد، و آنچه را که حساب نمی‌کردید و برای شما آشکار گردد، آنجاست که اهل باطل زیانکار گردند.

سپس آن حضرت رو به سوی قبر پیامبر کرد و فرمود:

بعد از تو خبرها و مسائلی پیش آمد، که اگر بودی آنچنان بزرگ جلوه نمی‌کرد.

ما تو را از دست دادیم مانند سرزمینی که از باران محروم گردد، و قوم تو متفرّق شدند، بیا بنگر که چگونه از راه منحرف گردیدند.

هر خاندانی که نزد خدا منزلت و مقامی داشت نزد بیگانگان نیز محترم بود، غیر از ما.

مردانی چند از امت تو همین که رفتی، و پرده خاک میان ما و تو حائل شد، اسرار سینه‌ها را آشکار کردند.

بعد از تو مردانی دیگر از ما روی برگردانده و خفیفمان نمودند، و میراثمان دزدیده شد.

تو ماه شب چهارده و چراغ نوربخشی بودی، که از جانب خداوند بر تو کتابها نازل می‌گردید.

وَ كَانَ جِبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُؤَيِّنُنَا - فَقَدْ فَقِدْتَ وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجَبُ

فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِقُنَا - لَمَّا مَضَيْتَ وَ حَالَتْ دُونَكَ الْكُتُبُ

ثم انكفأت عليها السلام و امير المؤمنين عليه السلام يتوقع رجوعها اليه و يتطلع طلوعها عليه، فلما استقرت بها الدار، قالت لامير المؤمنين عليهما السلام:

يَا بْنَ أَبِي طَالِبٍ! إِشْتَمَلْتُ شِمْلَةَ الْجَنِينِ، وَ قَعَدْتُ حُجْرَةَ الظَّنِّينِ، نَقَضْتَ قَادِمَةَ الْأَجْدَلِ، فَخَانَكَ رِيشُ الْأَعْزَلِ.

هذا إِبْنُ أَبِي قُحَافَةَ يُبْتَزُّنِي نِخْلَةَ أَبِي وَ بُلْغَةَ ابْنِي! لَقَدْ أَجْهَرَ فِي خِصَامِي وَ أَلْفَيْتُهُ أَلَدَّ فِي كَلَامِي حَتَّى حَبَسْتَنِي قِيلَةً نَصْرَهَا وَ الْمُهَاجِرَةَ وَصَلَهَا، وَ غَضَّتِ الْجَمَاعَةُ دُونِي طَرْفَهَا، فَلَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ، خَرَجْتُ كَاطِمَةً، وَ عُذْتُ رَاغِمَةً.

أَضْرَعْتَ حَدَّكَ يَوْمَ أَضَعْتَ حَدَّكَ، إِفْتَرَسْتَ الذَّنَابَ وَ افْتَرَشْتَ التُّرَابَ، مَا كَفَفْتَ قَائِلًا وَ لَا أَعْنَيْتَ بَاطِلًا وَ لَا خِيَارَ لِي، لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَنِيئَتِي وَ دُونَ ذَلَّتِي، عَذِيرِي اللَّهُ مِنْكَ عَادِيًا وَ مِنْكَ حَامِيًا.

جبرئیل با آیات الهی مونس ما بود، و بعد از تو تمام خیرها پوشیده شد.

ای کاش پیش از تو مرده بودیم، آنگاه که رفتی و خاک ترا در زیر خود پنهان کرد.

آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام به خانه بازگشت و حضرت علی علیهالسلام در انتظار او بسر برده و منتظر طلوع آفتاب جمالش بود، وقتی در خانه آرام گرفت به حضرت علی علیهالسلام فرمود:

ای پسر ابوطالب! همانند جنین در شکم مادر پرده‌نشین شده، و در خانه اتهام به زمین نشسته‌ای، شاه‌پره‌ای شاهین را شکسته، و حال آنکه پره‌ای کوچک هم در پرواز به تو خیانت خواهد کرد. این پسر ابی‌قحافه است که هدیه پدرم و مایه زندگی دو پسر را از من گرفته است، با کمال وضوح با من دشمنی کرد، و من او را در سخن گفتن با خود بسیار لجوج و کینه‌توز دیدم، تا آنکه انصار حمایتشان را از من باز داشته، و مهاجران یاریشان را از من دریغ نمودند، و مردم از یاریم چشم‌پوشی کردند، نه مدافعی دارم و نه کسی که مانع از کردار آنان گردد، در حالی که خشمم را فروبرده بودم از خانه خارج شدم و بدون نتیجه بازگشتم.

آنروز که شمشیرت را بر زمین نهادی همان روز خویشتن را خانه‌نشین نمودی، تو شیرمردی بودی که گرگان را می‌کشتی، و امروز بر روی زمین آرمیده‌ای، گوینده‌ای را از من دفع نکرده، و باطلی را از من دور نمی‌گردانی، و من از خود اختیاری ندارم، ای کاش قبل از این کار و قبل از اینکه این چنین خوار شوم مرده بودم، از اینکه اینگونه سخن می‌گویم خداوندا عذر می‌خواهم، و یاری و کمک از جانب توست.

وَيَلَايَ فِي كُلِّ شَارِقٍ، وَيَلَايَ فِي كُلِّ غَارِبٍ، مَاتَ الْعَمَدُ وَ وَهَنَ الْعَصْدُ، شَكُوَايَ إِلَى أَبِي وَ عَدُوَايَ إِلَى رَبِّي، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ حَوْلًا، وَ أَشَدُّ بَأْسًا وَ تَنْكِيلًا.

فقال اميرالمؤمنين عليهالسلام:

لَا وَيْلَ لَكَ، بَلِ الْوَيْلُ لِمَنْ يَكُ، نَهْنَهْنَى عَنْ وَجْدِكَ، يَا إِنَّنَا الصَّفْوَةُ وَ بَقِيَّةُ النَّبُوَّةِ، فَمَا وَنَيْتُ عَنْ دِينِي، وَ لَا أَخْطَأْتُ مَقْدُورِي، فَإِنْ كُنْتَ تُرِيدِينَ الْبُلْغَةَ فَرِزْقُكَ مَضْمُونٌ، وَ كَفَيْكَ مَأْمُونٌ، وَ مَا أَعَدَّ لَكَ أَفْضَلُ مِمَّا قُطِعَ عَنْكَ، فَاحْتَسِبِي اللَّهَ. فقالت: حَسْبِيَ اللَّهُ، وَ أَمْسَكَت.

از این پس وای بر من در هر صبح و شام، پناه‌م از دنیا رفت، و بازویم سست شد، شکایتم بسوی پدرم بوده و از خدا یاری می‌خواهم، پروردگارا نیرو و توانت از آنان بیشتر، و عذاب و عقابت دردناک‌تر است.

حضرت علی علیهالسلام فرمود: شایسته تو نیست که وای بر من بگوئی، بلکه سزاوار دشمن ستمگر توست، ای دختر برگزیده خدا و ای باقیمانده نبوت، از اندوه و غضب دست بردار، من در دینم سست نشده و از آنچه

در حدّ توانم است مضائقه نمی‌کنم، اگر تو برای گذران روزیت ناراحتی، بدانکه روزی تو نزد خدا ضمانت شده و کفیل تو امین است، و آنچه برایت آماده شده از آنچه از تو گرفته شده بهتر است، پس برای خدا صبر کن. حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: خدا مرا کافی است، آنگاه ساکت شد.

پی نوشت

۱۶ - النمل:

۲ - مریم: ۶

۳ - الاحزاب: ۶.

۴ - النساء: ۱۱.

۵ - البقره: ۱۸۰.

۶ - آل عمران: ۱۴۴.